

فصل اول: کلیات

همان‌طور که بعداً نیز اشاره می‌شود حقوق نظامی اجتماعی است به این معنی که دانش حقوق به دنبال نظم و نسق بخشیدن به اجتماع است. منتها مباحث حقوق فردی نیز در آن مطرح می‌شود به این معنی که فرد به عنوان جزئی از اجتماع کل مورد توجه حقوق قرارداد و برای آن حقوق و تکالیفی معین می‌گردد. در این فصل به کلیاتی پرداخته می‌شود که روشن شدن آن‌ها کلید ورود به سایر مباحث است.

گفتار اول: تعریف حقوق

حقوق جمع حق است و حق در لغت عبارت است از راست، درست، ضد باطل، ثابت، واجب، یقین، عدل، کاری که البته واقع شود، نصیب و بهره از چیزی، ملک و مال و یکی از نام‌های خداوند متعال.^۱ در اصطلاح علم حقوق، حق توانایی است که حقوق هر کشوری به اشخاص می‌دهد تا از مالی به صورت مستقیم استفاده کنند یا انتقال مال یا انجام کاری را از دیگری بخواهند. آیین یک معنی از حق است و معنی دیگر آن عبارت است از قدرتی که از طرف قانون به شخص داده شده و به معنی سلطه می‌باشد. حق در این معنی دارای ضمانت اجراء می‌باشد.^۲ مثلاً حق مالکیت اشیاء در تعریف اول و حق رأی در انتخابات در تعریف دوم جای می‌گیرد. براساس تعریف حق باید گفت حقوق عبارت است از مجموعه قواعدی که بر اشخاص از این جهت که در اجتماع هستند حکومت می‌کند.^۳ زیرا انسان موجودی اجتماعی است و برای تنظیم روابط انسان‌ها و جلوگیری از تجاوز آن‌ها به حقوق یکدیگر باید مجموعه قواعدی بر آن‌ها حکومت کند که به این قواعد حقوق گفته می‌شود. در تعریف دیگر، حقوق جمع امتیازاتی است

۱- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۴، ص ۵۲۶

۲- کریمی، حسین، فرهنگ دادرسی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۱۳۶

۳- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۱، ص ۲۱۶

۴- کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ بیست و پنجم، ۱۳۷۸، ص ۱۲

که در اجتماع برای هر فردی شناخته می‌شود مانند حق مالکیت، حق حیات، حق آزادی انتخاب شغل و حق ازدواج که به آن‌ها حقوق فردی گفته می‌شود. علاوه بر اینها به دستمزد کارکنان دولت نیز حقوق گفته می‌شود منتها در بحث‌های مطروحه در علم حقوق، حقوق را در دو معنای اول به کار می‌بریم.

گفتار دوم: مبنای حقوق

منظور از مبنای حقوق این است که سرچشمه پیدایش حقوق و تکالیف انسان در اجتماع یا به عبارت دیگر قواعد و احکامی که بر افراد از آن جهت که در اجتماع زندگی می‌کنند، چیست؟ در این قسمت به شرح نظریه‌های مهم در این زمینه پرداخته می‌شود.

مبحث اول: مکتب حقوق فطری یا طبیعی

از نظر این مکتب منشأ حقوق و تکالیف در فطرت آدمی است. در واقع این نظریه با نظریه‌ای که بیان می‌کند منشأ حقوق و تکالیف، خداوند و دستورات شارع مقدس است، یکسان می‌باشد. زیرا خداوند در قرآن می‌فرماید: "فأقم وجهک للدين حنیفا فطره الله التی فطر الناس علیها لا تبدیل لخلق الله ذلک الدین القیم و لکن اکثر الناس لا یعلمون" (روم / ۳۰). «پس تو مستقیماً روی به جانب آیین پاک اسلام آور و پیوسته از طریق دین خدا که فطرت خلق را بر آن آفریده است پیروی کن که هیچ تغییری در خلقت خدا نباید داد این است آیین استوار حق و لیکن اکثر مردم (از حقیقت آن) آگاه نیستند.» پس خداوند متعال انسان را موجودی اجتماعی آفریده و به همین دلیل انسان فطرتاً رو به سوی قواعدی می‌آورد که این نظام اجتماعی را تنظیم نماید. اجتماعی بودن فطری هر فرد انسانی است و انسان به صورت طبیعی رو به سوی اجتماع می‌آورد و این لازمه پیشرفت بشر است.^۱

مبحث دوم: مکتب تحققی

این مکتب بر واقعیت‌های خارجی تکیه دارد یعنی به عواملی که از خارج موجد حقوق هستند اشاره می‌کند. مکتب تحققی به این علت تحققی (positive) خوانده شده که حقوق را ناشی از عوامل بیرونی و واقعی در عالم خارج می‌داند. این مکتب به دو شعبه اجتماعی و دولتی تقسیم می‌شود.

۱ - جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مقدمه علم حقوق، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ نهم، ۱۳۸۳، ص ۱۶

۲ - وثوقی، منصور، نیک خلق، علی اکبر، مبانی جامعه‌شناسی، انتشارات بهینه، تهران، چاپ نهم، ۱۳۷۹، ص ۷۷

۱- مکتب تحقیقی اجتماعی

پیروان این مکتب معتقدند که نیروی الزام کننده قواعد حقوقی ناشی از احترامی است که قواعد آن در جامعه پیدا کرده است. به عبارت دیگر هنگامی که اجتماع انسانی به وجود می آید روابط حقوقی نیز بین افراد این اجتماع برقرار شده و نظام اجتماعی شکل می گیرد. برخی از نویسندگان^۱ طبیعت یعنی عالم خارج را به مرکب و فطرت را به راکب تشبیه کرده اند و معتقدند اگر افسار مرکب به دست راکب باشد، طبیعت در خدمت فطرت خواهد بود. بنابراین به نظر می رسد فطرت انسان است که وی را به سوی پیروی از قواعد اجتماعی می کشاند نه صرف زندگی در اجتماع. البته این موضوع صحیح است که قواعد اجتماعی باید در عمل به صورت تأسیسات اجتماعی ظهور پیدا کنند هرچند از فطرت سرچشمه می گیرند. منتها این مطلب نافی عقیده ما در باب نشأت گرفتن حقوق از فطرت انسانی نیست. همچنان که علمای فلسفه^۲ معتقدند انسان به صورت کلی می داند که تکالیفی دارد که این تکالیف باید در اجتماع مشخص شده و به صورت نظام حقوقی درآیند.

۲- مکتب تحقیقی دولتی

مطابق این مکتب منشأ حقوق اراده مقام های صالح دولتی است و فقط باید در پی یافتن و مطالعه نیروهائی بود که قواعد آن را به وجود می آورد. بنابراین مطابق این نظریه منشأ حق دولت است و تنها مقام مافوق جامعه حق دارد قواعدی وضع کند که بر روابط و افراد جامعه حاکمیت داشته باشد و آن ها را تنظیم نماید.

اما می دانیم که حکومت هنگامی مشروعیت دارد که از احکام اسلامی پیروی کند و مطابق نظر فقهاء، دولت اسلامی مجری احکام شرعی است یعنی احکامی که شارع مقدس وضع نموده است. خداوند در قرآن فرموده یا داود انا جعلناک خلیفه فی الارض فاحکم بین الناس بالحق و لاتتبع الهوی فیضلک عن سبیل الله (ص/۲۶) ای داود ما تو را در روی زمین مقام خلافت دادیم پس میان خلق خدا به حق حکم کن و هرگز هوای نفس را پیروی نکن که تو را از خدا گمراه سازد. اما در حال تشکیل دولت برای نظام بخشیدن به قواعد حقوقی ضرورت دارد.

گفتار سوم: نظام های حقوقی

در این قسمت به بررسی نظام های مختلف حقوقی پرداخته می شود که در دنیای امروزی

۱ - حائری شیرازی، محیی الدین، انسان شناسی، انتشارات شفق، قم، چاپ اول، ۱۳۷۲، ص ۱۸

۲ - عنایت، حمید، فلسفه هگل، انتشارات فرانکلین، تهران، چاپ اول، ۱۳۴۷، ص ۵۶۴

۳ - الحسینی الشیرازی، سید محمد، الدوله الاسلامیه، دارالعلوم، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۰ هـ ص ۱۱

حقوق هر کدام از کشورها تابع یکی از این نظام‌های حقوقی می‌باشد.

مبحث اول: نظام رومی - ژرمنی (نوشته)

این نظام حقوقی که نظام حقوقی اروپای غربی نیز خوانده می‌شود شامل کشورهای اروپایی به جز انگلستان و آمریکای لاتین است. البته کشورهای آسیایی و آفریقایی پیرو این نظام را نیز باید به آن‌ها افزود. مانند حقوق ژاپن و هند و آفریقای جنوبی که برخلاف نظر برخی از نویسندگان باید آن‌ها را پیروان نظام حقوقی رومی-ژرمنی دانست. در کشورهای که پیرو این نظام هستند قانون مهم‌ترین منبع حقوقی است و اصول و قواعد کلی را باید در متون قوانین جستجو کرد به همین دلیل است که به آن نظام حقوقی نوشته گفته می‌شود.

مبحث دوم: نظام کامن لا (نوشته یا عرفی)

نظام حقوقی کامن لا (Common law) نظامی است برپایه عرف و رویه قضائی. در این نظام حقوقی بیشتر از آنکه به قوانین نوشته توجه شود به عرف و عادت و آراء دادگاه‌ها توجه می‌شود و عرف و آراء دادگاه‌ها به عنوان مهم‌ترین منبع حقوق در نظر گرفته می‌شود. در این نظام حقوقی قانون مدون هم وجود دارد منتها به صورت محدود. در واقع هر کجا که استثنائی بر عرف وارد شده دارای قانون مدون است. مثلاً قانون سال ۱۸۷۸ در زمینه حق حبس برای صاحبان پانسیون‌ها که براساس آن صاحبان مهمانخانه‌ها می‌توانند در صورتی که کرایه اتاق آن‌ها پرداخته نشود اموال مسافران را به جای کرایه خود بردارند. معادل این قانون در حقوق ایران قانون راجع به بدهی واردین به مهمانخانه‌ها و پانسیون‌ها مصوب ۱۳۱۲/۶/۱ می‌باشد. به همین دلیل است که به این نظام حقوقی، نظام عرفی یا نانوشته گفته می‌شود. کشورهای مانند آمریکا، انگلستان، کانادا و استرالیا پیرو این نظام حقوقی هستند.

مبحث سوم: نظام سوسیالیست

در گذشته و با وجود حکومت امپریالیستی شوروی سابق تعداد کشورهای پیرو این نظام زیاد بود. لیکن با فروپاشی شوروی امروزه این نظام حقوقی محدود به کشورهای نظیر چین، کره شمالی و کوبا شده است که باید به آن‌ها کشورهای نظیر ونزوئلا و بولیوی را افزود. سوسیالیسم عبارت است از مالکیت دولت نسبت به کلیه مسائل تولیدی اعم از صنعت و

۱ - کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق، همان، ص ۱۱۷

۲ - ر.ک: رودیجانی، محمد مجتبی، حقوق مدنی ۳، انتشارات آوا، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۹، در این کتاب قوانین ۱۸ کشور در زمینه مسئولیت قراردادی مورد بررسی قرار گرفته است.

۳ - رودیجانی، محمد مجتبی، حقوق مدنی ۳، همان، ص ۲۲۴

کارخانجات و وسایل حمل و نقل و امور اقتصادی و اداره آن‌ها از طرف دولت. شکل نهائی سوسیالیسم را کمونیسم می‌گویند که به معنی الغای مالکیت اراضی و برقراری سیستم مالکیت دسته جمعی زمین و کارخانجات و سایر گروه‌های ملی است. این نظام حقوقی ریشه در افکار مارکس و انگلس دارد. از نظر اینان سرمایه‌داری همه وسایل معیشت را در انحصار خود دارد و از راه صنعت و تجارت می‌خواهد سرمایه خود را افزایش دهد و کارگران برده این سرمایه‌داران هستند. بنابراین باید به سراغ مرام سوسیالیستی و در نهایت کمونیسم رفت. این نظرات به حدی منحط بود که حتی خود پیروان اردوگاه کمونیسم هم به فکر تجدید نظر در آن‌ها افتادند.^۱ خصوصیت اصلی این نظام حقوقی دولتی کردن ثروت‌های عمومی و نفی مالکیت خصوصی است. این نظام حقوقی اعتقاد دارد که ابزار تولید نوع روابط اجتماعی را در اجتماع به وجود می‌آورد و باعث تشکیل نظامات حقوقی و اخلاقی در زندگی اجتماعی می‌شوند.^۲ آزادی‌های فردی در این نظام حقوقی نفی شده و انتخابات آزاد وجود ندارد و در واقع کمونیسم همان استثمار سرمایه‌داری را در جامه‌ای دیگر عرضه می‌نماید.^۳ این عقیده که باید مالکیت خصوصی را از بین برد و تنها دولت را مالک همه چیز نمود در نهایت باعث محو نظام کمونیسم شد و کشورهای سوسیالیست امروزی نیز تنها نامی از آن را بر خود دارند.

مبحث چهارم: نظام اسلامی و منابع آن

نظام حقوقی اسلام نظامی شرعی است که ریشه در قواعد مذهبی و الهی دارد. اهداف و مبانی حقوق اسلام با اهداف و مبانی سایر نظام‌ها تفاوت بسیار دارد. در نظام‌های بشری حقوق یک بعدی و تنها تنظیم کننده روابط مادی است در حالی که نظام حقوقی اسلام دو بعدی است یعنی در عین حال که به زندگی دنیوی توجه کرده و قوانین فراگیر راجع به روابط اجتماعی دارد، نسبت به سعادت اخروی که هدف نهائی زندگی و خلقت است بی‌تفاوت نبوده است.^۴ حقوق اسلامی دارای چهار منبع اساسی است که عبارتند از:

۱- قرآن: مهم‌ترین منبع حقوقی اسلام قرآن است. این کتاب آسمانی برنامه کامل و جامع

۱- انگلس، فردریش، وضع طبقه کارگر، انتشارات طلوع، تهران، چاپ اول، ۱۳۵۷، ص ۷۷

۲- خامه‌ای، انور، تجدید نظر طلبی از مارکس تا مانو، پژوهشگاه علوم انسانی، تهران، چاپ اول، ۱۳۵۶، ص ۴

۳- حجیتی کرمانی، علی، از بردگی روم قدیم تا مارکسیسم، انتشارات جهان آراء، تهران، چاپ اول، ۱۳۵۹، ص ۱۲

۴- شریف القرشی، باقر، حقوق کارگر از دیدگاه سرمایه داری، کمونیسم و اسلام، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۵۸، ص ۱۷

۵- کافی، عبدالحسین، شناخت علمی ماتریالیسم، مارکسیسم و اسلام، مرکز بررسی‌های اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۳۵۵، ص ۱۴۸

۶- خامه‌ای، انور، تجدید نظر طلبی از مارکس تا مانو، همان، ص ۸۶

۷- فتواتی، جلیل، نظام حقوقی اسلام، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۵۵